

را میآموزد و ازینرو خدمت مهمی بمملکت میکند. مدارس فلاحتی دیگری نیز در ترکیه موجود است که شاگردان متعدد در آن بتحصیل علم فلاحت مشغولند.

**مدارس فنی فوآئد عامه:** مدارس مزبور دارای ۱۷ نفر معلم میباشد و از ۱۹۲۴ تا بحال ۱۵۰۰ فارغ التحصیل از این مؤسسات خارج شده و در آبادی مملکت کوشش های فراوان نموده اند.

**مدارس مالیه:** در اثر اهمیتی که مسائل مالی در ترکیه احراز نموده دولت بر آنشده است که سیاست مالی مملکت را بر روی اساس محکمی بنا نماید. ازینرو مدارس حرفه مالی مورد توجه فوق العاده است. این مدارس جمعاً دارای ۱۲ نفر معلم میباشد و تا بحال ۷۶۰ نفر فارغ التحصیل از آنها خارج شده اند که ۱۵ تن از آنان دختر بوده اند.

**مدرسه ثبت:** مدرسه مزبور را ۱۳ نفر معلم است و تا کنون ۶۵۰ دیپلمه از آن خارج شده اند. ترکیه اولین مملکتی است که با اهمیت این نوع مدارس پی برده است.

**مدرسه راه آهن:** ترکیه که تا چندی قبل چند هزار کیلومتر راه آهن بیشتر نداشت در نظر گرفته است که در مملکت طرق سریع السیر و کامل ایجاد نماید و برای این منظور تشکیلات جدیدی در مدرسه راه آهن داده است. ازین مدرسه سالیانه عده ای فارغ التحصیل خارج می شود که اداره خطوط آهن بدانان سپرده شده است. از ۱۹۲۴ تا کنون ۹۱۷ نفر فارغ التحصیل از مدرسه مزبور خارج شده اند. این مدرسه ده نفر معلم دارد.

**مدرسه تربیت گرم ابریشم:** این مدرسه در تحت نظر پنج نفر معلم اداره می شود و تا کنون ۸۲۰ نفر فارغ التحصیل از آن خارج شده اند که ۱۰۰ تن از آنان دخترند. خدمات این مدرسه بصنایع ابریشمی ترکیه بجدی است که مصنوعات ابریشمی این مملکت بامصنوعات خارجی رقابت میکند.

**مدارس عملی پسرانه و دخترانه:** مدارس مزبور برای تربیت عملی شاگردانی احداث شد که وسایل کافی برای تمقیب تحصیلات عالیه بدارند. باین شاگردان اطلاعاتی داده می شود که برای تأمین معاش آنان مناسب باشد. این مدارس بسیار مهم است و تا کنون ۲۷۱۹ نفر فارغ التحصیل از آن خارج شده اند که ۱۲۵۵ نفر از آنان دختر بوده اند.

مستخرجه از رساله نمبر ۴۴ نشریات معارف امریکا

## تعلیم حفظ الصحه در کلاسهای ۹ تا ۱۲

بقلم دکتر جمفر دریک راجر مشاور طبیبی اداره تعلیمات ممالک متحده امریکا

ترجمه م. عبدالرضا مولوی

- ۱ - بیشتر از همه چیز آشنائی بساختمان بدنی برای هر کسی لازم است.
- ۲ - کلید کنجینه زندگانی صحت و سلامت است که در ملک وجود بودیت نهاداند.
- ۳ - صحت و سلامت بخودی خود ثمره و نتیجه زندگی نیست. باین همه ریشه ایست که گلهای لطیف و معطر حیات از آن بوجود میاید.

## علم و عمل

پانزده سال قبل کمیسیونی که از طرف دول متحده امریکا برای تجدید نظر در پروگرام مدارس متوسطه معین شده بود در طی راپورت خود

چنین نوشت :

« برای انجام وظائف یومیه و استفاده از عمر صحت و سلامت لازم است . تندرستی افراد هر مات علاوه بر آنکه در زندگانی انفرادی آنها موثر است در حفظ قوام قومیت و دفاع از شئون ملی آنان نیز اصل عمده‌ای بشمار میرود . »

هیئت معارفی امریکای شمالی نیز در دستور تعلیمات مدارس عالیّه تحت عنوان « طریقه زندگی » باین نکته مهم اشاره نمود که « یکی از شرایط اولیّه زندگانی نگاهداری و حفظ قوای موجوده و بدست آوردن صحت و سلامت دائمی است . » جمعیت دیگری که در سال ۱۹۳۳ مامور تنظیم پروگرام مدارس بوده‌اند معتقدند که برای اداره مملکت شاگردانی قوی و زورمند باید تدارک کرد چه شاگرد سالم و قوی امروز جوان رشید فردا و مرد باعزم و کارآمد آتیه است .

پس از دقت در اصول و عقاید فوق ( که عملی نمودن آن باید نصب العین هر مربی و آموزگاری باشد ) و مقایسه میزان تعلیم حفظ الحصه و پیشرفت آن ملاحظه میشود که در این زمینه کمتر توجه بکار رفته و نتایج مطلوبه بدست نیامده است . برای پی بردن بنقص کار بمرور نیست وضعیت پروگرام مدارس متوسطه رامورد دقت قرار دهیم . اگرچه تعلیم حفظ الصحه در قرن حاضر تا اندازه جلب توجه اولیای معارف را نموده و نسبت بقرون گذشته پیشرفت داشته است ولی باید اعتراف کرد که تعلیم دستور و قوانین تندرستی امروزی باوضع زندگی قرن حاضر تطبیق نمینماید و باینم قرن پیش چندان فرقی نکرده است . در سال ۱۸۳۸ یعنی نودوشش سال قبل از این در مدارس ایالت « فیلادلفی » معمول بود که در خور فهم و استعداد شاگردان هر کلاس دستورات صحی و قوانین حفظ الصحه را در ضمن خطابه ها و ایراد نطق ها بمحصلین گوشزد کنند باین ترتیب که هر يك از مباحث حفظ الصحه مختص بکلاسی بود و در هر هفته راجع بهمان درس دوخطابه قرائت میشده نظر رئیس معارف « نیویورک » در ضمن راپورت سالیانه ۱۸۸۵ این است که درخصوص تدریس « انسان شناسی » در مدارس متوسطه با آنکه تدریس آن در مدارس عالی جزو پروگرام بود هنوز اقدامی جدی بعمل نیامده و فقط بقریر و بیانات ساده و مختصر معلمین اکتفا شده است . اگرچه ذکر مطالب مربوطه بحفظ الحصه ولو مختصر هم باشد مفید و بهتر از هیچ است اما متخصصین فن تعلیم و تربیت صلاح در این دیده اند که تدریس علم الابدان و حفظ الصحه در مدارس توأمأ تدریس شود . نظر باین پیشنهاد در بین سنوات ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ در سی وهشت مملکت از ممالک متحده امریکا قوانین مخصوصی راجع بمقدار و طرز تدریس انسان شناسی و حفظ الصحه وضع و معمول گردید و تعداد مواد دروس مختلفه که تا آن زمان ۱۵ بود به ۱۶ بالغ شد . فرا گرفتن معرفه الانسان و دستورات صحی برای کلیه شاگردان اجباری بود تا اینکه در سنه ۱۸۹۳ اولیاء شاگردان نظر بمقتضیات وقت باضافه مواد شانزده گانه تدریس مواد دیگری را هم که بحال فرزندان خود مفید میدانستند از اولیای مدارس خواستار شدند . شورای معارف از نقطه نظر احتیاج میرم اهالی باندریس مواد اضافی موافقت نمود ، و بالنتیجه از شدت قوانین سابقی تا اندازه ای کاست . چیزی نگذشت که عدّه محصلین حفظ الحصه رو بنقصان گذاشت . شاگردانی که از تحصیل این قسمت منصرف میشدند

بفرا گرفتن زبان «لاینین» میرداختند چه تحصیل آنرا برای ورود بکلاسهای عالی لازم ترمیدانستند اگر عدّه محصلین سال ۱۸۹۵ زبان لاینین با سال ۱۹۰۰ مقایسه شود ده در صد تفاوت مشاهده خواهد شد و این در صورتی است که از هر چهار نفر محصل مدرسه متوسطه یک نفر بخواهد در امتحان ورودیه مدرسه عالی شرکت کند. اولیاء معارف مایل بودند که بتدریس السنه قدیمه چندان اهمیت نداده و کم کم از پروگرام حذف نمایند ولی از طرف دیگر با در نظر گرفتن تمام مشکلات موجوده بطور حتم میدانستند که بر فرض توفیق باز هم محلی برای تدریس معرفه الانسان و حفظ الصحه در پروگرام باقی نمی ماند. اعضاء شورای معارف بالاخره چاره را در این دیدند که تعلیم حفظ الصحه و دروس ورزش را ضمیمه یکدیگر کنند. بعضی عقیده داشتند که اگر چه با این ترتیب حق این درس چنانکه باید ادا نمی شود ولی باز هم بهتر از عدم تدریس آن است.

تنها ممالکتی که بتدریس کامل مواد و مباحث صحی ادامه داد «مکزیک جدید» بود. شورای معارف آن ممالکت تدریس آنرا اجباری کرد و نمره این درس را در موقع امتحان ورودی بمدرسه عالی فوق العاده اهمیت داد. یافشاری اعضاء معارف «مکزیک» باعث شد که رؤساء دارالفنونها در موقع پذیرفتن شاگرد در بین نمرات شانزده گانه مخصوصاً بنمره حفظ الصحه اهمیت داده و اعتبار ارزشی برای نمره خوب یا بد قائل شوند. پس از چندی تدریس حفظ الصحه هفته یکساعت در مدارس متوسطه معمول گردید.

در سال ۱۹۲۳ دایره امتحانات ایلالت «امیو» نمرات خوب حفظ الصحه را بجای نمرات ضعیف دروس اختصاصی از قبیل صنایع ظریفه و موسیقی قبول نمود پس ادارات معارف موقع رامناسب دیدند که دوباره تدریس حفظ الصحه را در مدارس معمول دارند. میزان تدریس حفظ الصحه را در هفته یکساعت معین نمودند. اعضاء کمیسیون معارف امیدوار بودند که بدین وسیله تا اندازه به پیشرفت منظور عمومی کمک میشود.

تدریس حفظ الصحه از کلاس نهم بیلا وضعیت عجیبی داشته و متحدالشکل نبوده برای ثبوت و تحقق این امر باحصائیه ۱۹۳۳ معارف دول متحده امریکا مراجعه می کنیم. در احصائیه مزبور قید شده که در سال ۱۹۳۱ اداره تفتیش معارف مرکزی اوراقی که مشتمل بر سئوالات چندی در خصوص تدریس حفظ الصحه بوده برای ۸۵۰ مدرسه که اکثر دارای ۱۲ کلاس بودند فرستاد که راپورت و توضیحات لازمه را راجع بتدریس حفظ الصحه داده و بدائره مزبور عودت دهند. بعد از انقضاء مدت مقرر از بین ۸۵۰ مدرسه فقط ۳۰۰ مدرسه اوراق ارسالی را بدائره تفتیش بر گردانیدند و بقیه یا بواسطه عدم تدریس حفظ الصحه از جواب سئوالات مندرجه در اوراق اداره تفتیش خودداری کردند و یا اینکه تدریس درس مطابوب مطابق دستور اداره معارف نبود. تعجب در این است که اداره تفتیش پس از رسیدگی به ۳۰۰ ورقه ارسالی معلوم داشت که از این سیصد مدرسه هم فقط صدی بیست توانسته اند مطابق دستور اداره معارف حفظ الصحه را تدریس کنند.

### اهمیت حفظ الصحه در کلاسهای یازدهم و دوازدهم

تدریس حفظ الصحه در کلاسهای یائین تر برای اطفال خردسال و تا اندازه

چرا و چگونه باید هم در کلاسهای ۸۹۷ معمول است. اکنون باید دید که تعلیم همان مواد تدریس کرد بطور تفصیل بحال شاگردان کلاسهای بالاتر هم مفید خواهد بود؟ اگر تدریس مواد سابق را از جمله مکررات بشمار آوریم ناچار باید مواد تدریسیه را عوض کنیم، و

بفرض اینکه موادی غیر از اصول حفظ‌الصحة عمومی باید در کلاسهای ۱۱ و ۱۲ تدریس شود باید دید که چه مواد و مباحثی شایسته تعلیم است. پیش از فکر جوابی بهتر است معرفت بحال شاگردانیکه میل داریم آنان را بفراگرفتن قوانین تندرستی و ادار و نتایج خوب حفظ صحت را عملاً با آنها نشان بدهیم پیدا کنیم. مورد تصدیق است که اولاً باید در نظر گرفت که شاگرد چه باید بداند و در چه سنی میشود تعلیمات مناسب و نزدیک بفهم او آموخت. علمای فن تعلیم و تربیت را عقیده این است که «تعلیم هر چیزی زیادتر از حد و مقدار معمول و لازم خوب نیست و بجای فائده ضرر دارد.» بنا به همین اصل آموختن دروس حفظ‌الصحة بیش از مقدار لازم بحال شاگرد مضر واقع و ممکن است مس و لمس با اشیاء و اشخاص مجاور خود را موجب ناخوشی تصور کند. پس باید در قدم اول دروس حفظ - الصحة مطابق مقتضیات و احتیاجات محصل تهیه و طرح شود. مخصوصاً از کلاس هشتم بیلا طرز تدریس قوانین و اصول صحی باید با مراقبت کامل انجام گیرد. زیرا شاگردانی که در کلاس های بالاتر از هشت بتحصیل اشتغال دارند از هرجهت با محصلین کلاسهای مادون خود فرق دارند. مثلاً کلاسهای ۱۱ و ۱۲ را دستهای محصلین یا تازه و شاید بیست ساله تشکیل میدهند، و البته در نظر داریم که در ضمن این سنین رشد بدنی آنان روز افزون است و مجبوریم آنها را به اسم « جوان » بشناسیم. جوانی یعنی چه؟ جوانی آن قسمت از عمر است که زندگانی با تمام اسرار و رموز خود جاوه گر شده و صفحه ای که پر از مسائل غامضه حیات است در مقابل چشم جوانان بی تجربه باز میشود. در این مرحله با جزئی ممارست و مراقبتی می توان جوانان را از خطرات متصوره از « جوانی » نگاهداری کرد. در این مرحله چیزهایی است که علاوه بر آنکه دانستن آنها برای جوانان ضروری است خود نیز بدان میل و احتیاج دارند در صورتیکه قبل از ورود به مرحله بلوغ نمی خواستند و لازم نبود که بدانند. در این موقع باید اطلاعات کامل باقتضای سن هر شاگرد در دسترس او گذارد. چونکه اغلب آنها قادر به کسب و اخذ اطلاعات لازمه در خارج از محیط مدرسه نیستند و تصور می کنند که مدرسه باید تمام معضلات و مشکلات را برای آنان سهل و آسان نماید ( در این تصور بخطا نرفته اند. بیشتر از محصلینی که از مدرسه متوسطه فارغ - التحصیل میشوند تحصیلات خالی تری را یا بواسطه عدم بضاعت و یا بلبل دیگر تعقیب نمی کنند پس بهمین جهت آنچه لازمه حفظ صحت است باید پیش از اینکه از محیط مدرسه دور شوند و تا موقعی که دسترس بآنها داریم و از ایمان و عقیده که نسبت با آموزگاران خود ابراز میدارند میتوانیم استفاده کنیم دریغ نداریم. عده مدودی هم که بمدارس بالاتر وارد میشوند بواسطه تراکم مواد دروس وقتی برای مراجعه بدستورات صحی یا فراگرفتن اصول زندگانی ندارند. در عین حال اثرات شباب و مسئولیت سنگین زندگانی را روز بروز در خود احساس می کنند و برای توفیق در میدان زندگی ناچارند از اینکه خودشان را با آخرین وسائل مبارزه باحیات آماده و مجهز سازند.

**در این دوره از زندگی باید بشاگرد آموخت که چگونه ممکن است قوی شود و بچه وسیله میتواند قوای موجوده جوانی را که سرمایه حیات و کار است حفظ کند و بالاخره از چه راهی باید صحت و تندرستی خانوادهای را که بعدها سمت سرپرستی آن را خواهد داشت تأمین نماید و حفاظت جامعه ای را که خود باید یکی از اعضاء فعال آن بشمار آید چگونه باید عهده دار شود.**